

نقش جریان‌ها و تفکرات افراطی در عدم دستیابی زنان به آموزه‌های اسلامی

حوری بیانی*

چکیده

گروه‌های افراطی در جامعه اسلامی، مانع مهمی در دست نیافتن زنان و مردان به آموزه‌های اصیل اسلامی هستند. آن‌ها عموماً، آموزش را محدود کرده‌اند و راه‌های ارتباطی مردم را با دنیای خارج مسدود نموده‌اند. زن‌ستیزی خود را با اعمال قوانین سخت‌گیرانه نسبت به آنان ابراز داشته‌اند و در مناطق تحت سیطره خود، به‌طور سازمان یافته، مانع دسترسی زنان به مراکز و منابع علمی شده‌اند. این گروه‌ها، در چند ویژگی با هم شریک‌اند: القای خشونت و ترس، کم‌اهمیتی عقل، زن‌ستیزی و محدود کردن آموزش. مجموعه این ویژگی‌ها سبب می‌شود برداشت زنان و مردان از اسلام ناقص و دارای انحراف باشد.

واژگان کلیدی

جریان‌های افراطی، زنان، اسلام، زن‌ستیزی، خشونت.

*. دانش‌پژوه دکترای کلام اسلامی جامعه المصطفی صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ العالمیه؛ horeyeh.bayani@gmail.com

مقدمه

دختران مکتبی مانند هر روز صبح بلند می‌شوند و نان و چای می‌خورند، لباس مکتب می‌پوشند و روسری سفید بر سر می‌کنند، کتاب‌ها و دفترچه‌های مرتب خود را در کیف‌های پارچه‌ای می‌گذارند تا به مکتب بروند. مادران، دخترکان خود را بدرقه می‌کنند. اما امروز قرار نیست کسی به مدرسه برود، مردان ریش بلند، در مکتب را پلمپ کرده‌اند. آقای مدیر دستگیر شده است و معلم‌ها، گریه‌کنان به دختران می‌گویند: «به خانه برگردید».

مردان، دختران یک مدرسه را یکی یکی به زور سوار ماشین می‌کنند، بیش از دویست دختر. همگی به جای نامعلومی برده می‌شوند تا دیگران از ترس رבוده‌شدن، به مدرسه نروند. روایت اول، حال و روز دختران مکتبی در دوره طالبان بود و روایت دوم، روایت غم‌انگیزی از بودن شاگردان یک مدرسه دخترانه توسط بوکوحرام در نیجریه.

افراط‌گرایان اسلامی، شاخه‌ای منشعب از مسلمانان سلفی‌اند که با اهمیت دادن به سنت‌های اجتماعی قبیله‌ای و ظاهرگرایی صرف، خواستار اجرای برداشت خود از اسلام در جامعه شده‌اند. زنان، سهم اندکی در رشد و شکوفایی جامعه دارند و نیازمند به آموزش تلقی نمی‌شوند. مدارس دخترانه را تعطیل می‌کنند و مانع دستیابی زنان به آموزه‌های اصیل اسلامی می‌شوند.

ضرورت

جریان‌های افراطی رشد قابل توجهی داشته‌اند، این جریان‌ها به‌طور سیستمی مانع آموزش زنان می‌شوند، از طرف دیگر، زنان مربیان کودکان و نسل بعدی جامعه خواهند بود. طبق آموزه‌های افراط‌گرایان، زنان آموزش‌ندیده، مربیان کودکان خواهند بود و این چالش جدی برای آینده جامعه اسلامی خواهد بود. با توجه به این وضعیت، ضروری به‌نظر می‌رسد، نقش جریان‌های افراطی به عنوان مانع دستیابی زنان به آموزه‌های اسلامی، تبیین شود.

سؤال اصلی

جریان‌ها و تفکرات افراطی، چگونه مانع دستیابی زنان به آموزه‌های اسلامی می‌شوند؟

پیشینه بحث

کتاب‌ها و مقالات موجود عموماً ناظر به زنان و نقش آن‌ها نبود و به‌طور کلی به مشکلات جهان اسلام در رویارویی با دنیای غرب و یا مشکلات داخلی جهان اسلام می‌پرداخت. در مقاله «موانع شناخت اسلام ناب محمدی صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در جهان معاصر»، از ام‌البین حیدری، به‌طور گذرا به برخی از موانع داخلی و خارجی شناخت اسلام پرداخته شده بود. در کتاب «اسلام و تنگناهای انسان متجدد»، به مدرنیته به عنوان یکی از مسائل دنیای اسلام پرداخته شده بود.

شناخت دین و عمل بر طبق معارف و آموزه‌های آن خواسته هر انسان دین‌داری است. اما به خاطر عوامل مختلف، شناخت ناقص و حتی مخالف با دین، به‌وجود می‌آید. به‌نظر می‌رسد، یکی از عوامل مؤثر در این‌که ما نتوانیم شناخت کاملی از اسلام داشته باشیم وجود گروه‌های افراطی و انتساب آنان به جامعه اسلامی است. قرائت‌های افراطی از دین می‌تواند مانع فهم درست باشد، و با شناخت آن‌ها و دوری از اندیشه‌شان می‌توانیم انتظار داشته باشیم که به فهم کامل‌تری از دین دست یافته‌ایم. (عالمی، ۱۳۸۹: ۹۳-۹۴).

جریان‌های افراطی در جهان اسلام

تمامی گروه‌ها و ادیان در طول تاریخ، پس از دوره همگرایی و تأسیس اولیه، دچار انشعابات گوناگون شده‌اند تا جایی که تفاوت بین گروه‌های منشعب، از یکدیگر و از گروه و دین اولیه می‌تواند بسیار زیاد باشد. برخی گروه‌های منشعب به دلایل گوناگون گرفتار افراط و یک‌جانبه‌نگری می‌شوند، از مهم‌ترین نمونه‌های این افراط‌گرایی را در جامعه اسلامی، می‌توان ظهور گروه‌هایی همچون طالبان و القاعده و داعش و... دانست. این گروه‌ها با محدود کردن

فهم اسلامی به فهم و چارچوب فکری خود، باعث می‌شوند، دسترسی افراد تحت نفوذشان به اسلام، محدود و کانالیزه شود.

زنان در دامنه این تفکرات افراطی از دو جهت گرفتار آمده و به فهم ناقصی از اسلام بسنده می‌کنند. این گروه‌ها عموماً دید نامطلوبی نسبت به زنان دارند و این دیدگاه خود را منتسب به اسلام می‌دانند. از طرف دیگر عموماً با محدود کردن زنان و عدم دسترسی آن‌ها به امکانات اجتماعی، مانع رشد و شکوفایی زنان می‌شوند. (ر.ک: امیری، بی‌تا). گروه‌های افراطی دیدگاه‌های خشونت‌آمیز دارند و با القای ترس، مانع تلاش‌های تئوری برای فهم اسلام توسط زنان می‌شوند و با محدود کردن زنان به عرصه خانه، مانع اقدام عملی آن‌ها در فهم اسلام هستند.

ویژگی‌های تفکرات افراطی

خشونت و ترس :

زندانی کردن، کشتن، شلاق زدن، سنگسار کردن، اعدام کردن، و... صحنه‌هایی عادی در برابر چشم کسانی است که در سرزمین‌های تحت سلطه افراطی‌ها، زندگی می‌کنند. در فضای توأم با ترس از نبود زندگی، زنان و مردان، نمی‌توانند به راحتی به آموزه‌های اصیل اسلامی دست یابند. اسلام مرادف با خشونت است و آنچه از اسلام فهمیده خواهد شد، تنها وحشت است.

سختگیری مضاعف نسبت به زنان خصوصاً در زمینه آموزش

زنان و دختران از بسیاری از آموزش‌ها محروم‌اند. مسلمانان افراطی با کنترل آموزش زنان، سعی در القای تفکر و دریافت خودشان از اسلام دارند و مانع ارتباط زنان با آموزه‌های اصیل اسلامی می‌شوند. به‌طور نمونه، آموزه‌هایی که بر اهمیت علم‌آموزی تأکید دارند. علاوه بر این‌ها، محرومیت زنان از آموزش به عنوان مربیان کودکان می‌تواند تأثیر مخربی بر فهم کودکان از اسلام داشته باشد.

کم توجهی به عقل و مباحث عقلی و رواج ظاهرگرایی

در رویکرد افراطی به اسلام، عقل جایگاه خاصی ندارد و فهم سنتی از اسلام همراه با عرف و عنعنات اجتماعی، بر زندگی افراد حاکم است. بسیاری از خشونت‌ها و سخت‌گیری‌هایی که به نام دین انجام می‌شود، پایه‌ی عقلانی ندارد، اما در جامعه تحت سیطره افراط‌گرایان، دینی قلمداد می‌شود. به‌طور نمونه، وهابیت و طالبان با تکیه بر معنای ظاهری متون دینی و فارغ از هرگونه تفسیر و تأویل به توجیه فعالیت‌ها، احکام شرعی و تکالیف خود می‌پردازد. (عدالت‌نژاد، ۱۳۹۰: ۱۷۷). گروه طالبان نتوانست در افغانستان تحت سلطه خود، الگوی نظام اسلامی ارائه کند، زیرا، خود را بی‌نیاز از تفکر و اندیشه در فهم و اجرای اسلام می‌دانستند. بی‌اهمیتی به عقل و کارکرد آن در فهم دین، موجب خواهد شد زنان و مردان در تفکرات افراطی، به برداشت ناقصی از اسلام دست یابند. در حالی که اهمیت عقل در فهم مبتنی بر اقتضات زمان، بر کسی پوشیده نیست و تنها راه دست‌یابی به نقل و وحی و حجت‌یابی آنان، مسیر عقل است. عقل منبع شناخت اصول است. (جوادی آملی، ۱۳۸۱: ۴۶).

شهید مطهری می‌نویسد:

«دو بیماری خطرناک همواره آدمی را تهدید می‌کند: بیماری جمود و جهالت. نتیجه بیماری اول «توقف و سکون» و باز ماندن از پیشروی است و نتیجه بیماری دوم «سقوط و انحراف» است. «جامد» از هرچه «نو» است، متنفر است و جز با کهنه خو نمی‌گیرد و «جاهل» هر پدیده نو ظهوری را به نام مقتضیات زمان و به نام تجدد و ترقی موجه می‌شمارد. اسلام هم با جمود مخالف است هم با جهالت. خطری که متوجه اسلام است هم از ناحیه این دسته است هم از ناحیه آن دسته. جمود و خشک مغزی‌ها و علاقه نشان دادن به هر شعار قدیمی، ربطی به دین اسلام ندارد، بهانه به دست مردم جاهل می‌دهند که اسلام را مخالف تجدد به معنای واقعی بشمارند؛ و از طرف دیگر، تقلیدها و مذهب‌ستی‌ها و غرب‌زدگی‌ها و اعتقاد به این که سعادت مردم مشرق زمین در این است که به‌طوری جسمی و روحی و ظاهری فرنگی بشوند، تمام عادات و آداب و سنن آن‌ها را بپذیرند و...، بهانه به دست جامدها می‌دهد که به هر وضع جدیدی با چشم بدبینی بنگرند و آن را خطری برای دین و استقلال و شخصیت‌های اجتماعی ملت‌شان به‌شمار آورند. جمود جامدها به جاهل‌ها، میدان تاخت و

تاز می‌دهد و جهالت جاهل‌ها، جامدها را در عقاید خشکشان متعصب‌تر می‌کند». (مطهری، ۱۳۷۸: ج ۱۹، ۱۱۰).

زن ستیزی

احکام زن ستیزانه بسیاری در قالب تفکرات افراطی بیان شده است. به‌طور نمونه در دوره طالبان، زنان حق آموزش، بهداشت، حضور اجتماعی و... را نداشتند و در صورت تخلفی، به شدت مجازات می‌شدند. در تفکرات افراطی، نقش زنان به افرادی برای باروری و ارضای تمایلات جنسی مرد، فروکاسته می‌شود و فهم زنان از اسلام، دارای اهمیت نیست، آن‌ها ناچار به پذیرش وضعیت خود می‌شوند و امور رایج را، برگرفته از اسلام می‌پندارند.

انحراف

اندک اندک، با کم شدن بعد عقلانی دین، ما با فهم منتسب به دینی مواجه خواهیم بود که با اسلام اصیل فاصله زیادی یافته است. زنان و مردان در تبعات این فهم افراطی شریک‌اند و دشواری‌های زندگی در سایه ترس را با هم حس خواهند کرد. ثمره تفکرات افراطی، انحراف از اسلام است. ارزش‌های اصیل دینی هم‌چون علم‌آموزی و اخلاق و... وارونه می‌شوند و زنان در حصر، سهم اندکی از مواجهه و فهم آموزه‌های اسلامی خواهند داشت.

نتیجه

جریان‌ات و گروه‌های افراطی، با ویژگی‌های مشترکی چون زن ستیزی، محدودیت آموزش برای زنان و کم توجهی به عقل، مانع مهمی در دستیابی زنان به آموزه‌های اسلامی هستند.

منابع

- احمد، حسین، اسلام و خشونت نگاهی نو به پدیده تکفیر، ترجمه موسی دانش، چ اول، مشهد: آستان قدس رضوی بنیاد پژوهش‌های اسلامی، ۱۳۹۰ ش.
- جوادی آملی، عبدالله، نسبت دین و دنیا: بررسی و نقد نظریه سکولاریزم، چ دوم، قم: اسراء، ۱۳۸۱ ش.
- عالمی، علیرضا، آسیب‌شناسی تمدن اسلامی مبتنی بر اندیشه‌های سیدحسین نصر، چ اول، قم: مرکز بین‌المللی نشر و ترجمه المصطفی صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، ۱۳۸۹ ش.
- کاشفی، محمدرضا، تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی، چ اول، قم: مرکز نشر و ترجمه المصطفی صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، ۱۳۸۹ ش.
- مطهری، مرتضی، مجموعه آثار، چ اول، تهران: صدرا، ۱۳۷۸ ش.
- میرزایو، مهینه، اسلام دین رحمت و رأفت نه دین تکفیر و خشونت (بررسی از منظر قرآن)، هفدهمین جشنواره شیخ طوسی (رحمه‌الله)، قم: ۱۳۹۳ ش.
- نصر، سیدحسین، جوان مسلمان و دنیای متجدد، ترجمه مرتضی اسعدی، چ ششم، تهران: طرح نو، ۱۳۸۴ ش.
- نصر، سیدحسین، اسلام و تنگناهای انسان متجدد، ترجمه انشاءالله رحمتی، چ اول، تهران: سهروردی، ۱۳۸۳ ش.
- حیدری، ام‌البینین، موانع شناخت اسلام ناب محمدی صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در جهان معاصر، مدرسه علمیة عترتیه، بی تا: بی جا.
- امیری، معصومه، طالبان عامل گسترش فمینیسم در افغانستان، گروه مطالعات و تحقیقات افغانستان، بی تا: بی جا.
- عدالت‌نژاد، سعید، سیدحسن نظام‌الدینی، سلفیان تکفیری یا الجهادیون خاستگاه و اندیشه‌ها، ش ۱۳، ۱۳۹۰.

